

## مصاحبه شکر گوپتا، سر دبیر مجله اندین اکسپرس با آقا خان چهارم در مراسم افتتاح آکادمی آقا خان در حیدر آباد، هند

تلویزیون دهلی نو (NDTV) بر نامه حرف و عمل (Walk the Talk)، شیکر گوپتا (حیدر آباد، هند)

مصاحبه کننده: شیکر گوپتا (Shekhar Gupta) سر دبیر روزنامه هندی، اندین اکسپرس (Indian Express)

05 اکتوبر 2013

### بر گردان از انگلیسی به دری: نوروژ علی ثابتی<sup>1</sup>

سوال و جوابی که در متن مصاحبه با رنگ زرد نشانی شده اند، در فایل صوتی و تصویری مصاحبه تلویزیونی موجود نیستند، و صرف در روز نامه اندین اکسپرس به نشر رسیده اند. - مترجم

«پس برای دوستان تان در غرب در مورد پندار قالبی [تصور نادرست] جدید آنها از اسلام چه می گوئید و برای برادران و خواهران مسلمان و پیروان تان در مورد پندار قالبی [تصور نادرست] آنها در مورد جهان غرب چه می فر مایید؟»

«خوب من با پرسان نمودن یک پرسش بسیار ساده شروع می کنم: در سال 2013 تعریف یک شخص تحصیل یافته چیست؟ و دانشی که آن شخص باید داشته باشد، چیست و چطور آن شخص از آن کار می گیرد؟ و دانشی که آن شخص به آن نیاز دارد، به نظر من، بیشتر و بیشتر در شناخت جهان است؛ نه یک کمی در قسمت شناخت بخش های کوچک آن. و من فکر می کنم که شناخت جهان یک هدف بسیار پیچیده است ولی من فکر می کنم که ما این را پذیرفته ایم که آن چیزی است که به آن ضرورت است. این اجتناب ناپذیر است. نسبت به هر زمان دیگر در گذشته، ما بیشتر در یک دنیا قرار داریم.»



<sup>1</sup> از همکارانم هر یک میرزا محمد عزیزاد و سید فرخ شاه هادی، در قسمت مرور و اصلاح متن ترجمه شده، سپاسگزاری می نمایم، - مترجم.

## مقدمه مصاحبه کننده:

این هفته ما به حیدر آباد سفر می کنیم تا با والا حضرت آقا خان، رهبر معنوی جامعه اسماعیلی و بنیانگذار و رئیس کل شبکه انکشافی آقا خان مصاحبه داشته باشیم. وی در مورد اینکه چگونه شرق و غرب را با هم پیوند داده و جوامع مختلف را بهم نزدیک آورده است، سخن می گوید. وی می گوید که جهان نوین از برخورد جهالت بر خلاف برخورد تمدن ها رنج می برد. وی همچنان در مورد اینکه دانشکده اش (آکادمی اش) عاری از اختلاف طبقاتی، دین و مذهب است و چگونه زندگی اش بعد از برخورد هوا پیما در سال 2001 به مرکز تجارت جهانی، تغییر کرد، حرف می زند. او همچنان در مورد ناسامانی های مصر، سوریه و پاکستان صحبت می کند و مخالفتش را با این باور که گویا خشمگین ترین مسلمانان در پاکستان حضور دارند، ابراز می کند و پیامی را برای رهبران پیروان خودش و به رهبران شیعه و سنی می فرستد.

## آغاز مصاحبه

**شیکر گوپتا:** سلام و خوش آمدید به برنامه حرف و عمل (Walk the Talk). من شکر گوپتا در آکادمی آقا خان در حومه حیدر آباد هستم، و امروز یک مهمان بسیار ویژه را با خود دارم، یعنی والا حضرت آقا خان.

**آقا خان:** تشکر، آقا.

**شیکر گوپتا:** در مورد شما گفته شده که امروز هیچ انسانی مانند شما آنقدر مرز بندی ها را مؤقرانه و مقتدرانه با هم پیوند داده نمی تواند. و آن هم چه مرز بندی های زیادی: شرق و غرب، اسلام و مسیحیت، مادی و معنوی، و اگر من بتوانم علاوه کنم، از دوره قدیم تا دوره قرون وسطی، عصر کنونی و تا آینده. با چنین امتیاز ویژه شما را به برنامه «حرف و عمل» خوش آمدید می گویم.

**آقا خان:** بسیار زیاد تشکر و من بسیار خوشحالم که با شما صحبت می نمایم. تشکر.

**شیکر گوپتا:** و به کشوری که از جهات زیادی سر زمین شماست، خوش آمدید.

**آقا خان:** بلی، بلی. [سر زمین] پدر کلان من ... در گذشته.

**شیکر گوپتا:** درست است. بلی او در هندوستان تقسیم نشده تولد شد.

**آقا خان:** بلی، بلی اینطور است. محلی که در آنجا متولد شد، هنوز پا بر جاست. هنوز خانواده [من در آنجا است].

**شیکر گوپتا:** و اولین مکتبی که توسط [بخشی از شبکه آقا خان] ...

**آقا خان:** ساخته شد در بالای....

**شیکر گوپتا:** آن تعمیر در هندوستان بنا گردید.

**آقا خان:** در مُندرا، در مُندرا [ در گجرات ]

**شیکر گوپتا:** بلی، در مُندرا، و هنوز هم در آنجا موجود است.

**آقا خان:** و هنوز هم در آنجا هست!

**شیکر گوپتا:** در سال 1905 بنا شد، و یا؟

**آقا خان:** در سال 1909 و یا چیزی کم و بیش.

**شیکر گوپتا:** بلی، در سال 1909 و یا در این حدود، و الان در آنجا .....

**آقا خان:** صد ها [شاگرد وجود دارد].

**شیکر گوپتا:** هشتاد تا نود هزار شاگرد و یکی [ یک مکتب ] دیگر.

**آقا خان:** بلی، بلی.

**شیکر گوپتا:** پس این موضوع در باره آقا خان ها و آموزش و پرورش چه رابطه دارد؟

**آقا خان:** من فکر می کنم که پدر بزرگم و من همواره احساس کردیم که آموزش و پرورش یک بخش ضروری در زندگی یک جامعه، در زندگی یک کشور، و در زندگی یک فرد است. آن یک جزء اصلی اجتناب ناپذیر برای تمام مردم جهان بدون در نظر داشت سن و جامعه است. پس ما واقعن خواستیم طرح آنرا بریزیم و این آکادمی [ آکادمی آقا خان در حیدر آباد ] بخشی از همان فعالیت می باشد.

**شیکر گوپتا:** آموزش و پرورش همچنان شفا بخش عقل و شعور است.

**آقا خان:** شفا بخش عقل و شعور است، ولی هم چنان راهی برای ایراد قضاوت های عقلانی هم است. آنچه که ما در جامعه خود نیاز داریم، قضاوت عقلانی است. آن کمک می کند تا ارزشیابی کنیم، آن کمک می کند تا مقر مشکلات را پیدا کنیم...

**شیکر گوپتا:** بنابراین، پیش از این که در مورد قضاوت عقلانی در ادواری که فرض می شود تمام حکمت [ها] کسب می گردند، وارد مباحثه ژرفتر شویم، یک کمی در مورد آکادمی [ حیدر آباد ] برای ما بگویید. فرق آن با سایر آکادمی ها در چیست؟

**آقا خان:** خوب این آکادمی بعد از روند یک ارزشیابی بوجود آمد. ده ها سال پیش من همراهی همکارانم در بخش آموزش و پرورش گرد هم آمدیم و خود مان را پرسیدیم که ما در کجا قرار داریم؟ ما به چه چیز نیاز داریم؟

و به این نتیجه رسیدیم که تعدادی از کشور هایی بودند که در آنجا آموزش و پرورش در دوره ثانوی یک مشکل اساسی بود. پس تصمیم گرفتیم که به عوض اینکه کشور به کشور برویم و به این نیاز مندی پاسخ بدهیم، تلاش کردیم تا شبکه ای از مؤسسات را راه اندازی کنیم تا اطفال مستعد را از یک جامعه به جامعه دیگر، و از زبانی به زبان دیگر انتقال بدهیم تا که ظرفیت جهانی را ساخته بتوانیم و آنرا تا سطح دوره ثانوی ادامه دهیم تا در دوره دانشگاهی و یا در مسیر حرفوی عقب گرد نداشته باشیم.

**شیکر گوپتا:** و آیا یک آکادمی با چنین ویژگی محدود نمی باشد؟ آیا دسترسی (به این دانشکده) برای پیروان خودت، و یا فقط برای مردمانی که به یک دین تعلق داشته باشند، محدود نمی گردد؟

**آقا خان:** نه، نه، نه، نه، نه، نه، نه، نه، نه، نه، ابدأ چنین نیست.

**شیکر گوپتا:** آیا کاملن بر مبنای شایسته سالاری است؟

**آقا خان:** کاملن بر مبنای شایسته سالاری است و در حقیقت فرا تر از آنست. چون بر اساس روند نا دیده گرفتن استطاعت مالی [شاگردان] استوار است. روی همین دلیل، تا زمانی که یک طفل واجد شرایط نشود و توانایی پرداخت وجه مالی را نداشته باشد، تأمین کردن وجه مالی اش مسئولیت ماست. بنا براین، این روند [بر مبنای] نادیده گرفتن وضعیت مالی (و یا means blind) [استوار] است.

**شیکر گوپتا:** جالب اینکه من اصطلاح (means blind) را قبلن نشنیده ام.

**آقا خان:** (می خندد) «means blind»، به این معنی است که شما در مقابل ثروت کور می باشید [مسئله مالی را نا دیده می گیرید].

**شیکر گوپتا:** می دانم، می دانم. این یک اصطلاح عالی است.

**آقا خان:** این اصطلاحی است که این قسم کار بُرد دارد.

**شیکر گوپتا:** دلچسپ است که من این اصطلاح را از کسی می شنوم که او دنیای «بشر دوستی» را دوست نمی دارد.<sup>2</sup>

**آقا خان:** (می خندد).

**شیکر گوپتا:** پس اعتراض تان را در مورد اصطلاح «بشر دوستی» توضیح دهید.

---

<sup>2</sup> این جمله بر سبیل شوخی بیان گردیده. یعنی آقا خان، کار های بشر دوستانه زیادی را انجام می دهد، چطور اینکار را انجام ندهد؟ از ایشان بعید به نظر میرسد که این کار را انجام ندهد. – مترجم

**آقا خان:** خوب به نظر من بشر دوستی (philanthropy) بسیار نزدیک به تصور صدقه و خیرات (charity) است.

**شیکر گوپتا:** صدقه دادن، (یعنی) رایگان بخشیدن؟

**آقا خان:** (یعنی) رایگان بخشیدن. و در اسلام بسیار واضح است که صدقه خواستنی و ضروری است، مگر شکل بهتر صدقه آنست که آن یک فرد را قادر بسازد تا سرنوشت خودش را مدیریت کند، تا وضعیت زندگی اش را بهبود ببخشد تا اینکه بتواند مستقلانه زندگی کند و تصمیم [در امور زندگی اش] را خودش بگیرد.

**شیکر گوپتا:** و من چیزی بیاد دارم که شما در یک مصاحبه فرمودید. شما فرمودید که امام شدن بدین معنی نیست که شما [از مسایل زندگی دنیوی] دوری گزینید، و جهان را ترک کنید. این حقیقتن این معنی را افاده می کند که شما در جامعه تان بیشتر مشغول شوید و کیفیت زندگی آنها را بالا ببرید، و آنها را محافظت و حمایت کنید.

**آقا خان:** درست است.

**شیکر گوپتا:** آیا این به معنای دوری جستن نیست؟

**آقا خان:** نخیر.

**شیکر گوپتا:** اگر چیزی را از روش زندگی مردم هندو گفته بتوانم، [یعنی] آن معنای سنیاس (Sanyaas) را نمی دهد؟

**آقا خان:** نخیر، این نه تنها در شیوه زندگی مردمان هندو است، این همچنان در عقیده بسیاری از مردمان است. مکاتب مسیحی ای هستند که بعقیده آنها دخیل سازی زندگی (در دین) پسندیده نیست. در اسلام چنین عقیده ای وجود ندارد. و در واقع این اصل متناقض با آموزه های اسلام است. امامان مسئول مسئولیت جامعه شان هستند، برای کیفیت زندگی جامعه شان، آنها باید دخیل باشند. ولی آنها از نقطه نظر اخلاقی باید دخیل باشند.

**شیکر گوپتا:** قسمی که ما الان [همان] پندار قالبی را می دانیم، شما یک امام بسیار باور نا کردنی را تمثیل می کنید. شما مانند یکی (از آنها) به نظر نمی رسید، مانند آنها حرف نمی زنید، مانند آنها عمل نمی کنید، و مانند یکی (از آنها) بازی نمی کنید. شما هنوز از حادثه تصادم بازی اسکی رنج می برید.

**آقا خان:** اگر شما به زندگی پیغمبر بنگرید، ایشان زندگی عادی را بسر می گذراندند. و در معنی ایشان نشان دادند که اسلام بخشی از زندگی است نه مجزا از آن.

**شیکر گوپتا:** و آن منبع الهام برای شماست؟

**آقا خان:** این چیزی است که من معتقدم درست می باشد.

**شیکر گوپتا:** و چیزی است که باید بر تمام مسلمانان کار بُرد داشته باشد؟

**آقا خان:** من فکر می‌کنم تمام مسلمانان در دنیای واقعی زندگی می‌کنند. من رهبران زیادی را که خود شان را کاملن از زندگی (مادی) کنار کشیده باشند، نمی‌دانم. این جزئی از سنت دینی ما نیست.

**شیکر گوپتا:** در مورد صوفی‌ها و درویش‌ها چه؟

**آقا خان:** تمام زمینه تصوف، قسمی که همه ما می‌دانیم، در بسیاری از عقیده‌ها وجود دارد. و آن شهود جستجوی شخصی است، و نه یک جستجوی نهادی.

**شیکر گوپتا:** و دین و معنویت باید یک عمل شخصی باشد؟

**آقا خان:** در اسلام این هر دو وجود دارند. این یک شیوه مردمی [جمعی] در زندگی است که عبارت از مسئولیت‌های مردم و مسئولیت‌های جامعه هستند، ولی در آن همچنان مسئولیت‌های شخصی [فردی] هم وجود دارند. در واقع، در تعبیر من از اسلام، هر دو باید با هم پیش بروند. شما نمی‌توانید، یکی را بخاطر دیگری ترک کنید.

**شیکر گوپتا:** چیز دیگری را هم شما گفتید، یک سخن جالب. شما فرموده‌اید که هیچ برخورد تمدن‌ها وجود ندارد، آنچه که موجود است، بر خورد جهالت‌ها است.

**آقا خان:** درست است، درست است.

**شیکر گوپتا:** مگر آن بر خورد جهالت‌ها چیزی است که کسی دیگر در یک زمینه متفاوت از آن بنام « اثر زخم خاطرات ما » یاد می‌کند که عبارت از جنگ سرد است، که الان یک واقعیت است. با این مسئله شما چگونه سر و کار دارید؟

**آقا خان:** (می‌خندد) من این پرسش را از خودم بارها پرسیده‌ام، حقیقتن از سال 1957 به این طرف...

**شیکر گوپتا:** از زمانی که « امام » شدید؟

**آقا خان:** از زمانی که « امام » شدم.

**شیکر گوپتا:** در همان دوره جوانی؟

**آقا خان:** بلی، و تمام شیوه‌ها را بکار بستم، فکر میکردم که من باید تلاش نمایم تا برای پیوند دادن تمدن‌ها کمک کنم بجای اینکه آنها را بمانیم تا بر یکدیگر از در ناهمی و جهالت نگاه کنند، و همدیگر را در کشمکش ببینند و تمام چیزهای دیگر. بنابراین، این یک بخش مهم زندگی من بوده است، ولی من یک فرد هستم.

**شیکر گوپتا:** چرا شما آنرا برخورد جهالت ها می نامید؟ بگذارید چیزی را بر آن اضافه کنم. اگر امروز همان پندار های سلیقوی در مورد اسلام شکل بپذیرند، آیا شما [باز هم] با آن پندار های کلیشه ای [تصورات ناد درست] مخالفت می کنید؟

**آقا خان:** لطف شماست. من تحصیلاتم را در دانشگاه در مورد تاریخ اسلام گذراندم، بنا براین من باید بدانم که ...

**شیکر گوپتا:** و شما در (دانشگاه) هاروارد تحصیل کردید.

**آقا خان:** بدین جهت با این مفهوم، ممکن است تا اندازه تسلی خاطر داشته ام. ولی اگر من تعریف یک طفل تحصیل کرده را در سال 1957 در نظر بگیرم و از شما بپرسم که ترکیب نصاب تعلیمی در آن دوره چه بود؟ در آن [نصاب تعلیمی] در مورد آسیا چیزی نبود، در مورد اسلام چیزی نبود، اگر هیچ چیز نه، بسیار کمی در مورد افریقا بود. جهان صنعتی به گرد خودش می چرخید. و امروز شما هنوز هم می بینید که تصامیمی که میان جهان صنعتی و جهان اسلام اتخاذ می شوند، اگر آنها یکدیگر را در گذشته می شناختند، آن تصامیم گرفته نمی شدند.

**شیکر گوپتا:** به روشی که جهان اسلام (در شکل همان هوا پیما ها یی که بر بنا ها [ مرکز تجارت جهانی ] فرود آمدند) بر دروازه جهان غرب دق الباب زد، اگر کمی شانس گرفته بتوانم و بگونه ای بی پروا باشم.

**آقا خان:** بلی.

**شیکر گوپتا:** و [این موضوع را] بیش از حد ساده می کنم.

**آقا خان:** خوب به نظر تمام جهان اسلام را که ما آنرا بنام «امت» یاد می کنیم، نمی توان به آن پیوند داد. به نظر من این نادرست است.

**شیکر گوپتا:** ولی همان پندار قالبی (کلیشه ای) ساخته شد؟

**آقا خان:** بدون شک، بدون شک، آن پندار قالبی ساخته شد. مگر فکر نمی کنم که آن عمل را بر تمام امت (اسلام) نسبت بدهید. آن کاملن درست نیست. پس این کلیشه بطور فزاینده نا درست است که آن یک پرسش دیگر را مطرح می سازد: فرم افهام و تفهیمی که ما داریم در آن زندگی می کنیم چه است؟ چگونه سوء تفاهم شدید وجود دارد که قبلن نبوده؟

**شیکر گوپتا:** پس زندگی شما، و همچنان نقش شما، بعد از سال 2001، زمانی که این حادثه به وقوع پیوست، تغییر کرد؟

**آقا خان:** بلی، البته! البته. ما در تلاش هستیم تا دو قطبی هایی که در جهان ما، در جهان صنعتی در حال رخ دادن هستند، بفهمیم. ما می بینیم که جهان صنعتی، قسمی که 10 و 15 سال پیش بود، دیگر جهان صنعتی نیست. ما

قدرت های بزرگی را می بینیم که روی صفحه رادار آمده اند. ما قدرت های میانه را، بشمول هند، می بینیم که نقش نوی را بازی می کنند. پس اکنون یک روند تغییر سراسری جهانی به میان آمده است.

**شیکر گوپتا:** پس برای دوستان تان در جهان غرب در مورد پندار قالبی (کلیشه) جدید اسلام چه می گوئید و برای برادران و خواهران مسلمان تان و پیروان تان در مورد پندار قالبی آنها از جهان غرب چه می گوئید؟

**آقا خان:** خوب من با پرسان نمودن یک پرسش بسیار ساده شروع می کنم: در 2013 تعریف یک شخص تحصیل یافته چیست؟ و دانشی که آن شخص باید داشته باشد، چیست و چطور آن شخص از آن کار می گیرد؟ و دانشی که آن شخص به آن نیاز دارد، به نظر من، بیشتر و بیشتر در شناخت جهان است و نه در قسمت شناخت بخش های کوچکی از آن. و من فکر می کنم که شناخت جهان یک هدف بسیار پیچیده است ولی من فکر می کنم که ما اینرا پذیرفته ایم که آن چیزی است که به آن ضرورت است. این اجتناب ناپذیر است. نسبت به هر زمان دیگر در گذشته، ما در یک دنیا قرار داریم. (با تأکید می گوید).

**شیکر گوپتا:** بخاطری که جامعه شما هم رنج برده است. زیرا که آن (جامعه شما) اکنون به این منجر شده که توسط یک نوع مردم مشخص معرفی می شود. مردمانی که سر خط اخبار ساعات پر بیننده تلویزیون را از آن خود می سازند و شیخ و سایه تصویر آنها معمولن با یک AK-47 [کلاشینکوف] و یا بدتر از آن شباهت دارد. شما با آن چگونه معامله می کنید و آنها چقدر خساره به جامعه شما وارد آورده اند.

**آقا خان:** من فکر نمی کنم که جامعه [من] به عنوان جامعه دیده شود که به طریقی با اینگونه بینش دخیل باشد.

**شیکر گوپتا:** بخاطری که شناسنامه [پاسپورت] یک نفر مسلمان در یک فرود گاه [کشور های] غربی .... من دو باره یک کلیشه (پندار قالبی) را استفاده کردم، اما این یک واقعیت است.

**آقا خان:** درست است. درست است. خوب من مطمئن نیستم که آن واقعن در مورد تمام مسلمانان درست باشد. فکر می کنم که در جهان اسلام ساحاتی معین وجود دارند که بگذار بگوئیم آنها نسبت به دیگران، بیشتر تحت باز جویی قرار گرفتند، ولی من فکر نمی کنم که این [مسئله] جهانی باشد، واقعن چنین نیست. و آن در دیگر عقیده ها اتفاق افتاده است – بیابید کاملن وضاحت داشته باشیم.

**شیکر گوپتا:** مطلقن [درست است]. جهان اسلام و یا امت در بسیاری از کشور ها موجود است. پیروان خود تان در سراسر جهان بشمول هند موجود هستند.

**آقا خان:** در اصل در آنجا یک نقطه بنیادی وجود دارد. شما در مورد بخشی از آن جهان [اسلام] بطور درست فکر نخواهید کرد، تا اینکه مسئله کثرت گرایی را نفهمید. شما ضرورت دارید تا فهم ابتدایی در مورد کثرت گرایی اش داشته باشید. ما در بخش جهان مان اگر کثرت گرا تر نیستیم، نسبت به دیگران کثرت گرا می باشیم.

**شیکر گوپتا:** در این ایام، امام بودن هم دشوار است. به خاور میانه نگاه کنید. مصر، که با آن اسماعیلیان آنگونه رابطه قدیمی دارند، الان در چه وضعیت قرار دارد؟



**آقا خان:** درست است. درست است. خوب من فکر می کنم که آنچه که ما هستیم....

**شیکر گوپتا:** و سپس دروازه بعدی، یعنی سوریه.

**آقا خان:** خوب نخست از همه مصر. من میل دارم که فکر کنم (و این یک نظریه شخصی است) که آنچه را که ما در امت [مسلمانان] در این اوضاع بی ثبات به ملاحظه نشسته ایم، ظهور جامعه مدنی است. من فکر می کنم ما داریم ملاحظه می کنیم که جامعه مدنی مقصدش را بیان می کند و خودش را با شیوه های متفاوت در کشور های مختلف بروز داده است. ولی این اساسن فشار های جامعه مدنی است. آنها میگویند، ما یک محیطی را می خواهیم که در آنجا بطور آزاد زندگی کنیم.

**شیکر گوپتا:** «[یعنی] که هیچ آیدیولوژی ای را استفاده نکنید، و هیچ دینی را رد نکنید که...»

**آقا خان:** «این آزادی ماست». مگر، در عین حال آن [آزادی] یک مفهوم پسندیده تا زمانی است که در میان یک چهار چوب اخلاقی باشد. اگر از چهار چوب اخلاقی بیرون شود، قسمی که ما در بخش مشخصی در جهان آنرا می بینیم، آنجاست که از آن سوء استفاده می شود.

**شیکر گوپتا:** آیا می توانید در این مورد بیشتر توضیح بدهید؟

**آقا خان:** ما داریم آنرا در تعدادی از عرصه ها می بینیم. بطور مثال، تمام سیستم بانکی، که برایش اجازت داده شد تا از آزادی ای که قبلاً نداشت، آزادی زیاد تر برایش داده شد... چه اتفاق افتاد؟ من فکر می کنم که ما در عرصه رسانه های گروهی (بویژه در رسانه های اجتماعی) آنرا دیده ایم، که در مورد اینکه آزادی چیست در آنجا مناظره دوامدار وجود دارد. و ما همچنان آنرا در سنت های اجتماعی هم می بینیم. مناسبات اجتماعی بیشتر شکننده تر می شوند. بنابراین، ما یک مشکلی را می بینیم که در آنجا جامعه مدنی نقش فوق العاده ای را بازی می کند، ولی آن باید خودش را مدیریت کند. شما همچنان آنرا در عرصه موسسات غیر دولتی (NGOs) مشاهده می کنید... اگر آنجا هیچ مفاهیم مدیریت نمی بود، از آن سوء استفاده می شد.

**شیکر گوپتا:** آیا شما همچنان می گوئید که از آن سوء استفاده شده است؟

**آقا خان:** من می گویم که از آن سوء استفاده شده است.

**شیکر گوپتا:** پس به دروازه بعدی، از مصر به طرف سوریه میرویم.

**آقا خان:** خوب سوریه واقعن یک وضعیت بحرانی برای خیلی از مردمان است. بیابید نخست فاکتی را بشناسیم که سوریه به میزان گسترده یک محصول اجتماعی و یا یک محصول مدنی پیچیده است، که اگر شما بخواهید و آن اینطور برای مدت چند قرن بوده است و آن [یک پدیده] جدید نیست. و همچنان [در آنجا] شما مسیحیان را می بینید، مسلمانان را می بینید، یهودیان را می بینید....

**شیکر گوپتا:** قبایل مختلف....

**آقا خان:** قبایل مختلف، در آنجا دروزی ها (Druze) است، در آنجا ساختار مردمی بسیار پیچیده وجود دارد، نخست از همه، و....

**شیکر گوپتا:** بسیار همسایگان مرموز [هم].<sup>3</sup>

**آقا خان:** (می خندد) بلی!

**شیکر گوپتا:** همسایگی بسیار مرموز.

**آقا خان:** بسیار همسایگان مرموز، و من فکر می کنم ما یک مقدار معین حضور و کیلان مدافع را هم دیده ایم. اگر من آنرا اینطور بنامم، و به آنچه که من امید وارم، اینست که با در نظر گرفتن اینکه وکلاء مدافع، تا چند روز پیش وارد صحنه شدند و برای پیدا کردن یک راه حل عمومی کم علاقه بودند. اکنون شاید بعضی فرصت ها وجود دارند تا آن [توافق کلی] بوقوع بپیوندد.

**شیکر گوپتا:** بویژه با گفتگوی [و پا در میانی] ولادیمیر پوتین و اوباما.

**آقا خان:** بلی و تغییر در تهران هم که شاید در آنجا [یک فرصت] باشد. من فکر می کنم بعضی از دولت های خلیج [فارس] هستند که آنها در مورد جایی که این [مشکل] جریان دارد، دارند کمتر دخیل میشوند. پس آنجا سر آغاز یک، چه قسم آنرا بنامم - ... شاید سر آغاز یک «زوب شدن» باشد. مشکلات بطور کامل سخت نیستند طوری که....

**شیکر گوپتا:** در حال زوب شدن، نه در (حال) فرو پاشی!

**آقا خان:** (می خندد) نه در [حالت] فروپاشی! به این دلیل برای خودم می گویم، شاید ما یک فرصتی در اینجا داریم که اینجا نه تنها وضعیت سوریه را حل می کنیم، بلکه بیشتر از آن کار خواهیم کرد. من دوست دارم که خوش بین باشم.

**شیکر گوپتا:** و بعد نزدیکتر به سر زمین ما، یعنی پاکستان، رجوع می کنیم. شما یک شبکه بسیار وسیعی از فعالیت ها را در آنجا دارید....

**آقا خان:** بلی، بلی.

**شیکر گوپتا:** و این یگانه کشوری است که امروز در آنجا کشمکش سنی و شیعه خیلی سر زبان ها است.

**آقا خان:** خوب. نخیر. من نمی گویم که خیلی ....

<sup>3</sup> هدف مصاحبه کننده از همسایگان مرموز، از اسرائیل، ایران و ترکیه است.

**شیکر گوپتا:** خوب هدف قرار گرفتن شیعه خیلی سر زبان ها است، بگذار آنرا این طور بیان کنم. برآستی، [اگر] به سطح معمولی به پاکستان سفر نمایم، کدام مشکلی را پیدا نمی کنم.

**آقا خان:** درست است، درست است.

**شیکر گوپتا:** ارتش پاکستان خودش چنین یک معضله را نداشته است.

**آقا خان:** خوب، برآستی این کشمکش ها نه فقط در پاکستان، [بلکه] در میان امت بیشتر [مشهود] است. این تنها محدود به سوریه نیست. اگر شما به بحرین نگاه کنید، و اگر به عراق نگاه کنید، روی این دلیل، این کشمکش، یک نگرانی بزرگ برای من است و من امید وارم که مانند مشکل سوریه (قسمی که جریان دارد، اگر حل شود) آن کشمکش را در این رابطه نیز کاهش خواهیم داد. زیرا، برآستی این برای من غیر قابل قبول است. این کاملن غیر قابل قبول است (با تأکید بیان می کند).

**شیکر گوپتا:** پس آیا شما برای رهبران پاکستان کدام پیامی دارید؟ بخاطری که آن یکی از پر نفوس ترین کشور اسلامی است.

**آقا خان:** خوب من مطمئن نیستم که من برای این وضعیت رهبران پاکستان را ملامت کنم...

**شیکر گوپتا:** نخیر، من گفتم که آیا شما پیامی دارید، آیا شما کدام مشوره سودمند برای آنها دارید؟

**آقا خان:** خوب پیام ساده من و نظر من اینست که در هر کشوری، مردم حق دارند تا مطابق به عقیده خویش عمل کنند. [آن عقیده] هر چه که باشد. روی این جهت، برایم این حق بشر است. و من به آن علاقه مند هستم. طور مثال، می بینیم که فعلن دولت [های] غربی چه سان این مسئله را برای حمایت [بنیه] اقتصادی در آجندای خود در نظر گرفته اند، مثلن کانادایی ها.

**شیکر گوپتا:** درست است، درست است. بلی، بدون شک.

**آقا خان:** پس در جهان صنعتی یک آگاهی وجود دارد که این یک پرابلم جدی جهانی شده است.

**شیکر گوپتا:** و آیا شما برای شیعه های پاکستانی کدام پیامی دارید؟

**آقا خان:** خوب من پیامی برای تمام پاکستانی ها دارم، نه فقط برای شیعه (ها). من پیامی برای تمام پاکستانی ها دارم. و آن اینست که: ببینید که شما مسلمانان هستید، به نقطه پایان برسید [یعنی کشمکش ها را کنار بگذارید]. و همچنان شما که مسلمان هستید، آنچه که هویت اصلی یک مسلمان را می سازد، استوار باشید که آن عبارت از شهادت [کلمه توحید] است. خوب این جایی است که [آن کشمکش] پایان می یابد.

**شیکر گوپتا:** پس این کشمکش در کجا جای دارد؟

**آقا خان:** بد بختانه، کشمکش می تواند بالای چیز هایی غیر دینی به میان آید. عوامل دیگر در آن دخالت دارند... سیاست، فرصت های اقتصادی ....

**شیکر گوپتا:** در قسمت پرسش این سوال کمی خجالت می کشم، [از اینکه] می دانم که شما چطور لیبرال [آزاد اندیش] و چطور کاتولیک [مذهبی] در مورد دیدگاه تان هستید، و چقدر شما یک شهروند جهانی هستید. ولی این سوالی است که چاره ای جز پرسیدن آنرا ندارم. چرا خشمگین ترین مسلمانان جهان در پاکستان وجود دارند؟ نه تمام مسلمانان پاکستانی، لیکن اگر شما به ریکارد مسلمانان خشمگین جهان که تا حال کشف شده، نگاه کنید (پیش از 11 سپتمبر و حتا پیشتر از آن)، چگونه بیشتر آنها از پاکستان سر بر می آورند. در حالی که عراق مورد تهاجم قرار گرفت، افغانستان اشغال شد، و به شیوه های متعدد هنوز هم جریان دارد، فلسطینی ها شکوه و تظلم دارند، مگر خشمگین ترین مسلمانان در پاکستان هستند.

**آقا خان:** من با این نظریه موافق نیستم. من با این نظریه موافق نیستم. فکر می کنم که امروز این خشم در بیشتر از کشور های اسلامی وجود دارد. بخاطری که امت (مسلمه) فکر می کند که مورد تهاجم قرار گرفته است، و اساسن برای قضیه 11 سپتمبر مورد حمله قرار گرفت، و امت (مسلمه) که از یک بدنه میلیون ها، میلیون ها انسان در جهان تشکیل یافته، با آن [قضیه] چیزی کرده نتوانست. پس من فکر می کنم که آن نظریه (اگر ممکن است که من آنرا، اینطور بیان کنم)، منصفانه نیست.

(هر دو می خندند)

**شیکر گوپتا:** نخیر، جالب است که شما با آن مخالفت می کنید بخاطری که در این روز ها آسان است با آن فرمول ها (قواعد) موافقت کرد.

**آقا خان:** ولی به نظر من آن واقع نیست یک نوع ....

**شیکر گوپتا:** خوشحال خواهم بود اگر شما با من موافقت کنید، ولی خوشحال تر از آن خواهم بود که شما موافقت نکنید. بخاطری که این برآستی یک داستان خوبتر است که ....

**آقا خان:** نخیر.

**شیکر گوپتا:** بخاطری که بعداً ما به یک استدل لال بر خواهیم خورد، یک استدلال عقلانی.

**آقا خان:** نخیر، من اینرا فکر نمی کنم [این که خشمگین ترین مسلمانان از پاکستان هستند] درست باشد. من فکر نمی کنم که این درست باشد. و من جلو تر می روم و می گویم که بیشتر این کشمکش ها را که ما امروز می بینیم، با عقیده سر و کار ندارند. اینها زاده سوء مدیریت سیاسی و یا بد تر از آن اند.

**شیکر گوپتا:** و یا در واقع، عدم تعقل در استفهام [وجود دارد].

**آقا خان:** و یا عدم تعقل. زمینه محرک بیشتر این اوضاع، سیاسی است، ولی بعد هر چه که اتفاق می افتد، آنست که یک بُعد عقیدتی موجود است که با آن پیوند داده می شود، مگر آن به میان نمی آید از ....

**شیکر گوپتا:** آیا این عمل [ار تباط دادن بُعد عقیدتی به مسایل سیاسی] دست یافتن به اهداف سیاسی را آسان می سازد؟

**آقا خان:** این [طریق] سهل الوصول است. شما می توانید مردم بیشتر را بسیج کنید. شما می توانید قضیه را متفاوت جلوه بدهید.

**شیکر گوپتا:** اگر ممکن باشد من یک نوع شارژ کت (راه میانبر) استفاده می کنم. این یک افزایش دهنده قوه فشار و یا مواد سوخت است.

**آقا خان:** بلی، من مایلیم که چیزی که بیشتر گفتم، بگویم. اگر به واقعیت این اوضاع را تحلیل و تجزیه کنم، آیا این مشکلات جنبه عقیدتی داشتند؟ خیر، اینها عموماً مشکلات سیاسی بودند. و شما می توانید مثال هایی از اینگونه مشکلات را که امروز موجود هستند، بیاورید، و شما می توانید رد پای آنها را در بُعد سیاسی پیدا کنید.

**شیکر گوپتا:** چنانچه در افغانستان است – و قبل از اینکه ما وارد بحث در باره افغانستان شویم، باید بگویم که چقدر مردمانی مانند من از شما بخاطر ساختن یک هتل مجلل در کابل سپاسگزار هستند.

**آقا خان:** سپاسگزارم.

**شیکر گوپتا:** زمانی که جهاد خوبی در گذشته [در افغانستان] جریان داشت، من داشتم آن جنگ ها را تحت پوشش قرار می دادم، و هتل کابل را بیاد دارم که چطور از آن استفاده میشد. فقط یک ساختار استالینستی [در آنجا موجود] بود و یگانه چیز اطمینان بخش در مورد آن این بود که دیوار هایش آنقدر ضخیم بودند که فکر می کردیم بامب ها نمی توانند در آن نفوذ کنند.

**آقا خان:** (می خندد).

**شیکر گوپتا:** و من فکر می کنم مینوی غذا، مرغ بریان در چاشت و بریانی مرغ در شب بود.

**آقا خان:** (می خندد) هر چیزی را می توانستیم در زیر زمینی آن پرورش بدهیم.

**شیکر گوپتا:** خوب خیر، من فکر می کنم که شوخی این بود که یکی از گریه های نجیب الله راهش را گم کرد و به فارم مرغ پروری تصادم کرد...

**آقا خان:** (می خندد).

**شیکر گوپتا:** و پیش از تمام کردن لیست گیری آنها، همه چیز را نمی گرفتید. ولی الان شما یک هتل عالی را در آنجا بنا کرده اید، و چیزی که به آن اعتبار می بخشد این است که مردمان [دیگر] غیر از سربازان، جاسوسان و گزارش گران، کلاه برداران و معامله گران مسلح از کابل باز دید بعمل می آورند..

**آقا خان:** خوب، من خوب بخاطر دارم، از همان آغازی که کرسی به نزد آمد و فرمود... «ببین، تا زمانی که یک محل اقامت برای مردمان نداشته باشیم، برای باز سازی افغانستان کدام تلاش کرده نمی توانم. لطفاً برای ما کمک کنید تا چیزی را [در این زمینه] انجام داده بتوانیم».

**شیکر گوپتا:** و در نتیجه [هتل] سرینا ساخته شد.

**آقا خان:** و در نتیجه سرینا ساخته شد.

**شیکر گوپتا:** قسمی که در اسلام آباد [و] پشاور [ساخته شد].

**آقا خان:** بخشی از [اهداف] باز سازی، وارد کردن نیرو های مختلف به داخل کشور [افغانستان] است تا نقش خود را بازی کرده بتوانند.

**شیکر گوپتا:** و شما فراهم کننده امکانات هستید.

**آقا خان:** خوب، ایشان [کرزی] از ما خواستند که آیا ما آن کار را انجام داده می توانیم، من پاسخ دادم که ما آنرا انجام خواهیم داد.

**شیکر گوپتا:** زیرا زمانی که سیاست ضربه می رساند، شما به یک نوع [تعامل] غیر سیاسی ضرورت دارید، و اینجاست که [نقش] امام محبوب در میان می آید.

**آقا خان:** (می خندد)، خوب، شما بسیار مهربان هستید که اینرا می فرمایید، ولی برای ما این یک همکاری برای باز سازی [افغانستان] بود.

**شیکر گوپتا:** و من می دانم که شما دوست دارید چیز هایی را باز سازی و یا بنا کنید که آنها بعداً خود کفا شوند.

**آقا خان:** این درست است، این درست است، این درست است. بخشی از کار های بنیادی ما، و یا (بهتر است بگویم) فلسفه ما، متقبل شدن ریسک (خطر) است. ما کار های مان را انجام نمی توانیم، اگر خطری را متقبل نشویم. ولی چیزی که ما در تلاشیم از آن اجتناب کنیم این است که: خطر چنان جدی نشود که آینده یک نهاد را به مخاطره بیندازد.

**شیکر گوپتا:** و یا به صحنه قمار زنی [برد و باخت] پیش برود.

آقا خان: قطعاً نه، نخیر. (می خندد).

**شیکر گوپتا:** چیز دیگری را که من بیاد دارم که شما در چند جای فرموده اید، و همواره آنرا بر زبان می آورید، اینست که: شما آموخته اید زمانی که اندوهگین باشید، احساسات تان را در ملاء عام اظهار نمی کنید. این خود داری بخاطر چیست؟

**آقا خان:** زیرا که، من فکر می کنم که یک کشور، یک جامعه، و یک فرد باید در طرز نگرش شان راجع به چیزها بطور دوامدار ادامه دهند. بسیار مشکل خواهد بود تا چیزی را بر مبنای جادو بنا کرد. این مدت زمانی را در بر می گیرد. شما فراز و فرود خواهید داشت، [ولی] شما باید ثابت قدم باشید. ولی اگر شما متردد باشید، به مقصد نخواهید رسید.

**شیکر گوپتا:** شما آموخته اید که احساسات تان را حفظ کنید، ولی من برای شادمانی و خوشی ای را که شما در چهره های خیلی از مردمان در این مملکت و جاهای دیگر، و حتا بشمول چهره هایی که در آینده می آیند، بویژه در این آکادمی، به ارمغان آورده اید، از شما ابراز سپاس گزاری می نمایم.

**آقا خان:** خوب، من فکر می کنم که اگر مردم خوش باشند، این جزیی از نقش من است.

**شیکر گوپتا:** [خوب] من فکر می کنم شما به تشریف آوری تان [به هند] ادامه بدهید...

**آقا خان:** تشکر بسیار زیاد.

**شیکر گوپتا:** والا حضرت، مردم بسیار خوشحال خواهند بود. ممنون تان [صدا شنیده نمی شود].

**آقا خان:** و برای این صحبت عالی از شما سپاسگزارم.

متن اصلی این مصاحبه به زبان انگلیسی در لینک های زیر موجود است:

<http://www.nanowisdoms.org/nwblog/10639/>

<http://www.ndtv.com/video/player/walk-the-talk/walk-the-talk-with-his-highness-aga-khan/293281>

<http://ismailimail.wordpress.com/2013/10/05/ndtvs-walk-the-talk-with-his-highness-aga-khan>

<http://www.indianexpress.com/news/there-is-anger-because-the-muslim-world-feels-targeted-essentially-for-911.-and-its-millions-of-people-had-nothing-to-do-with-that/1179796/0>